سه اصل بزرگ اسلام



تألیف : محمد بن سلیمان التمیمي
مترجم : عبد الله حیدري

سه اصل بزرگ اسلام

نویسنده:

استاد محمد تمیمی

مترجم:

عبدالله حیدری

پاییز ۱۳۸۲ خورشیدی

مشخصات کتاب

نویسنده: استاد محمد تمیمی

نام کتاب: سه اصل بزرگ اسلام

تیراژ: ۵۰۰۰

چاپ: اول

تاریخ: پاییز ۱۳۸۲

انتشارات: حقیقت

en_haghighat@yahoo.com

فهرست مطالب

مقدمه ۱

چهار مطلب ۵

دلیل آن ۵

مسائل سه گانه ۶

مسألة اول ۶

مسألة دوم ۷

مسألة سوم ۷

سه اصل بزرگ ۹

اصل اول ۹

اصل دوم ۱۶

اصل سوم ۲۵

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بیکران ذات یگانه ای را که هر کس از بندگانش را بخواهد با فضل و رحمت خودش به دین اسلام هدایت می کند، و هر کسی را که از اسلام روی گرداند با حکمت خویش گمراه می گرداند، که در نتیجه در تاریکی جهل و گمراهی دست و پا زند و راه بجای نبرد. و درود و سلام بر الگوی معصوم محمد بن عبدالله که خاتم پیامبران و رحمت برای تمام جهانیان و مژده دهنده و بیم دهنده و چراغی روشن و با اجازهٔ او دعوت کننده به سوی دین الله است. چنانکه می فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (آل عمران:۸۵) «و کسی که غیر از (شریعت و آئین) اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی شود، و او در آخرت از زمرهٔ زیانکاران خواهد بود».

ملاحظه می فرمائید که خداوند متعال در این آیهٔ کریمهِ بیـان فرمـوده که هر دینی غیر از اسلام باطل و مردود و پیروان آن بدبخت و زیانکـار است.

همچنانکه روشن است اکـثر انسـانها درعصـر حـاضر کـافر و گمراه هستند مانند یهودیها و نصرانیها و هندوها و بودایـی هـا و دیـگر گروههای گمراه، بنابر این شایسته است کسانی که خداونـد آنـان را بـه دین حق و نعمت اسلام هدایت فرموده و به آنان توانایی دعوت و بیـان عنایت فرموده تمام سعی و تلاششان را به خرج دهند. و دیـگران را بـه دین اسلام دعوت کنند و برای آنکه فردا پیش خدا عذری داشته باشند و پیام سعادت را به آنان رسانده باشند دین اسلام را به آنان عرضه کننـد. شاید خدا خواست وهدایت شدند.

بنابر این از آنجایی که اولین گام دعوت، شناخت مکتبی اسـت که دیگران را بسوی آن باید فرا خوانیم، لذا این مقاله کوتاه تلاشـی در همین راستاست، امیدواریم خداوند بوسیله آن نفعـی بـه جامعـهٔ بشـری عنایت فرماید و دلهای غافل را آگاه و گوشهای غبار گرفته را صیقـل و چشمهای تاریک را روشنی بخشد.

هدف مهم دیگری که ما از طرح این مقاله داریم این است که به لطف و مرحمت پروردگار مهربان همواره نور ایمان دلهای عده ای را روشن می کند و هر روز برادران و خواهرانی به کاروان اسلام می پیوندند. لذا این کتابچه می تواند بعنوان شناسنامه ای مختصر مورد استفادۀ آنان قرار گیرد که به وسیلۀ آن مقدمات دین جدیدشان را بشناسند و اسلامشان رونق گیرد تا اینکه خداوند به وسیلۀ آن گامهای آنان را در راه حق راسخ بدارد و توانایی پیدا کنند که پرچم جهاد و دعوت و تبلیغ دیگران را بر دوش گیرند، به هر حال این ذات مهربان پروردگار است که هر خیر و نیکی را در اختیار دارد وبه هر کس بخواهد می بخشد پس او را سپاس که پروردگار جهانیان است .

مرکز پژوهشهای علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای عزوجل رحمتت کند:

بدان که آموختن چهار چیز بر ما واجب است:

اول: علم، که عبارت از شناخت خداوند و شناخت پیـامبرش ـ صلی الله علیه وآله و سلم ـ و شناخت دین اسلام با دلایل است.

دوم: به آن عمل کردن.

سوم: به سوی آن دعوت نمودن.

چهارم: صبر در برابر مشکلاتی که در این راه پیش خواهد آمد.

دلیل آنچه گفتیم این فرموده خداوند متعال است: **﴿بسم الله الرحمن الرحیم: و العصر، إن الإنسان لفی خسر، إلا الذین آمنوا وعملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر﴾.**

«سوگند به روزگار، که بیگمان انسان در زیانکاری است، مگر کسانی که ایمان آورده اند، وکارهای شایسته کرده اند، و همدیگر را

به حق سفارش کرده اند و همدیگر را به شکیبائی سفارش کرده اند».

امام شافعی رحمة الله علیه می فرماید: اگر خداوند جز این سوره هیچ برهان دیگری بر مخلوقاتش فرود نمی آورد همین سوره برای آنان کافی بود.

امام بخاری رحمة الله علیه در صحیح بخاری می فرماید: باب: العلم قبل القول و العمل. این باب در بارهٔ آموختن علم قبل از گفتن و عمل کردن است، زیرا خداوند متعال می فرماید: ﴿فاعلم أنه لا إله إلا الله و استغفرلذنبک﴾. «پس بدان که جز خدا هیچ معبود برحقی نیست و برای گناهانت طلب مغفرت کن». می بینیم که قبل از گفتن و عمل کردن به فرا گرفتن علم امر فرموده است.

خدا رحمتت کند، بدان که آموختن مسائل سه گانهٔ ذیل بر هر زن و مرد مسلمان واجب است:

مسألهٔ اول: اینکه خداوند ما را آفریده و پرورش داده و روزی داده اما بیهوده نگذاشته است؛ بلکه برای هدایت ما پیامبری فرستاده است که هر کس از او پیروی کند داخل بهشت، و هر کس نافرمانی اش کند وارد دوزخ خواهد شد. لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿إنا أرسلنا إليكم رسولا شاهدا عليكم كما أرسلنا إلى فرعون رسولا فعصى فرعون الرسول فأخذنه أخذا وبيلا﴾ المزمل ۱۵-۱۶

«ما به سوی شما پیامبری فرستاده ایم که بر شما گواه است همچنانکه به سوی فرعون هم پیامبری فرستادیم، اما فرعون از آن پیامبر نافرمانی کرد، لذا او را به گیر و داری سخت فروگرفتیم».

مسألهٔ دوم: اینکه خداوند هرگز راضی نخواهد شد که هیچ بنده ای در عبادتش، احدی را با او شریک گرداند، نه فرشتهٔ مقرب و نه پیامبر مرسلی را، لذا می فرماید:

﴿و أن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا﴾ الجن ۱۸

«و اینکه همهٔ مسجدها خاص خداوند است، پس باخداوند هیچ احدی را (به عنوان پرستش) مخوان».

مسألهٔ سوم: کسی که خدا را به یگانگی بشناسد و از پیامبرش اطاعت کند، هرگز برای او جائز نیست که با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند دوستی بر قرار کند. **اگر** چه نزدیکترین خویشاوندانش باشند.

لذا خداوندمتعال می فرماید:

﴿لا تجد قوما يؤمنون بالله و اليوم الآخر يوادون من حاد الله و رسوله و لو كانوا آباءهم أو إخوانهم أو عشيرتهم أولئک كتب فى قلوبهم الإيمان و أيدهم بروح منه، ويدخلهم جنات تجرى من تحتها الأنهار خالدين فيها، رضى الله عنهم و رضوا عنه، أولئک حزب الله ألا إن حزب الله هم المفلحون﴾ المجادلة ٢٢

«قومی را که به خداوند و روز آخرت ایمان داشته باشند نیابی که با کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می ورزند دوستی کنند، و لو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خاندانشان باشند، اینانند که (خداوند)در دلهایشان (نقش) ایمان نگاشته است، و به فیضی از جانب خویش استوارشان داشته است، و (ایشان را) به بوستانهایی در آورد که جویباران از فرودست آنها جاری است، جاودانه در آن هستند، هم خداوند از آنان خشنود، وهم آنان از او خشنودند، اینان لشکرخدایند، بدانیدکه لشکرخدا همانان رستگاران هستند».

خدایت به طاعتش راه بنماید بدان که دین حنیف ابراهیمی این است که خدا را به یگانگی و با اخلاص و یکرنگی بپرستی این است آن هدفی که خداوند همه مردم را برای تحقق

آن آفریده و بدان امر فرموده است، چنانکه می فرماید: ﴿ وما خلقت الجن و الإنس إلا لیعبدون﴾ الذاریات ۵۶

«جن و انس را جز برای آنکه مرا بپرستند نیافریده ام».

معنی «یعبدون »در آیه «یوحدون» است، یعنی مرا به یکتایی بپرستند، بزرگترین و مهمترین چیزی که خداوند بدان امر فرموده توحید است، و توحید یعنی خدا را به یکتایی پرستیدن، و بزرگترین چیزی که از آن باز داشته شرک است، و شرک یعنی شخص یا چیزی را با او به عنوان پرستش خواندن، لذا خداوند متعال می فرماید: ﴿و اعبدوا الله و لا تشرکوا به شیئا﴾

«و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک نکنید». النساء ۳۶

اگر از تو پرسیده شود: سه اصل بزرگ که شناخت آن بر هر انسانی واجب است چیست؟

بگو :۱- شناخت پروردگار ۲- شناخت اسلام که دین پسندیده پروردگار است. ۳- شناخت پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم.

اصل اول:

اگر از تو پرسیده شود که پروردگارت کیست؟ بگو پروردگارم ذاتی است که با نعمتهای فراوانش مرا و سایر جهانیان را آفریده و

پرورش داده است، او یگانه معبود من است که جز او هیچ معبودی ندارم، لذا خداوند متعال می فرماید: ﴿ الحمد لله رب العالمین﴾

«هرگونه ثناء وستایشی ویژه پروردگار عالمیان است».

جز خود پروردگار هر صنف دیگری در این جهان برای خودش عالمی است که من نیز جزئی از یک عالم هستم.

اگر از تو پرسیده شود: پروردگارت را چگونه شناختی؟ بگو: با آیات و مخلوقاتش، از جمله می توان به شب و روز و خورشید و مهتاب به عنوان نمونه ای از آیات، و به آسمانها و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و در بین آنهاست به عنوان نمونه ای از مخلوقات خدای بزرگ اشاره کرد. لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿و من آیاته اللیل و النهار و الشمس و القمر لاتسجدوا للشمس ولاللقمر و اسجدوا لله الذی خلقهن إن کنتم إیاه تعبدون﴾ فصلت ۳۷

«و از نشانه های قدرت او شب و روز و خورشید و ماه است، خورشید و ماه را سجده نکنید، بلکه خداوند را که آنها را آفریده است سجده کنید».

و نیز می فرماید:

﴿ إن ربكم الله الذى خلق السماوات و الارض فى ستة أيام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس و القمر و النجوم مسخرات بأمره، ألا له الخلق و الأمر تبارك الله رب العالمين﴾ الاعراف ۵۴

«همانا پروردگار شما خداوند است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس برعرش (چنانکه خود می داند) قرار گرفت، شب را به روز (و روز را به شب) می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را (آفرید) که رام شده به فرمان اویند، بدانید که خلق و امر فقط از آن اوست، با برکت است خدایی که پروردگار جهانیان است».

پروردگار همان معبود برحق جهان است لذا خداوند می فرماید:

﴿یا أیها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون، الذی جعل لکم الأرض فراشا والسماء بناء و انزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقا لکم فلا تجعلوا لله أندادا و أنتم تعلمون﴾ البقرة ۲۱-۲۲

«ای مردم پروردگارتان را که شما و پشینیانتان را آفریده است بپرستید تا پرهیزگار شوید، آنکه زمین را (همچون) زیر انداز وآسمان را (همچون) سر پناه شما کرد، و از آسمان آب فرو فرستاد، آنگاه بدان(انواع) میوه ها برای روزی شما بر آورد، پس آگاهانه برای او همتا نیاورید».

ابن کثیر رحمة الله علیه می فرماید:«خالق و آفریدگار همهٔ این مخلوقات یگانه ذاتی است که شایسته و مستحق پرستش است».

انواع عبادتهایی که خداوند دستور انجام آنرا صادر فرموده از قبیل اسلام و ایمان و احسان، خوف و رجاء، دعاء و توکل، شوق و حذر، خشوع و خشیت، انابت و استعانت، استعاذت و استغاثت، ذبح و نذر و دیگر عبادتهایی که خداوند به آن امر فرموده همه ویژهٔ پروردگار یکتا است.

لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿ وأن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا﴾ الجن ۱۸

«و اینکه همه مسجدها خاص خداوند است پس با خداوند هیچ کس را به عنوان پرستش مخوان».

پس کسی که این عبادتها یا جزئی از آنـرا بـرای غـیر خـدا انجام دهد مشرک وکافر است، لذا خداوند متعال میفرماید:

﴿ و من یدع مع الله إلها آخر لابرهان له به فإنما حسابه عند ربه إنه لایفلح الکافرون﴾ مؤمنون ۱۱۷

«و هر کس با خداوند خدایی دیگر بپرستد که در این کار حجتی ندارد، جز این نیست که حسابش با پروردگارش اسـت، آری کافران رستگار نمی شوند».

ودر حدیث آمده است (الدعاء مخ العبـــادة) «دعـاء مغـز عبادت است». لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿ وقال ربکم ادعونی استجب لکم، إن الذین یسـتکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین﴾ غافر ۶۰

«و پروردگارتان گوید مرا به دعا خوانید تا برایتـان اجـابت کنم، بیگمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند بـه زودی با خواری وارد دوزخ خواهند شد».

دلیل خوف این ارشاد الهی است:

﴿ فلا تخافوهم و خافون إن کنتم مؤمنین﴾ آل عمران ۱۷۵

«پس از آنان نترسید و از من بترسید اگر مؤمن هستید».

دلیل امید این ارشاد خداوند باری تعالی است:

﴿ فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لایشرک بعبادة ربه أحدا﴾ الکهف ۱۱۰

«حال هر آنکس که امید به لقای پروردگارش بسته است، باید کار نیکو پیشه کند ودر پرستش پروردگارش کسی را شریک نیارود».

دلیل توکل این فرموده باریتعالی است:

﴿ وعلی الله فتوکلوا إن کنتم مؤمنین﴾ مائدة۲۳

«و برخدا توکل کنید اگر مؤمن هستید».

﴿ومن یتوکل علی الله فهو حسبه﴾ الطلاق ۳

«پس هرکس برخدا توکل کند همو وی را کافی است».

دلیل شوق و حذر و خشوع، این ارشاد باری است:

﴿إنهم کانوا یسارعون فی الخیرات و یدعوننا رغبا و رهبا و کانوا لنا خاشعین﴾ انبیاء ۹۰

«زیرا آنها در کارهای خیر تعجیل میکردند و در حال بیم و امید ما را میخوانند و همیشه به درگاه ما خاضع و خاشع بودند».

دلیل خشیت این فرموده باری است:

﴿ فلا تخشوهم واخشونی﴾ البقرة ۱۵۰

«پس از آنان مترسید و از من بترسید».

و دلیل انابت این ارشاد الهی است:

﴿ وأنیبوا إلی ربکم و أسلموا له﴾ الزمر۵۴

«به سوی پروردگار تان باز آیید و در برابر او تسلیم شوید».

در حدیث آمده است: (واذا استعنت فاستعن بالله)

«و هرگاه یاری خواستی از خدا یاری بجوی».

دلیل استعاذت این ارشاد باری است:

﴿ قل أعوذ برب الناس، ملک الناس﴾ سورة ناس

«بگو به پروردگار مردم پناه می برم، فرمانروای مردم».

دلیل استغاثه این فرموده خداوندی است:

﴿ إذ تستغیثون ربکم فاستجاب لکم﴾ الانفال ۹

«هنگامی را به یاد آورید که به پروردگار تان استغاثه و زاری می کردید و او دعای شما را اجابت کرد».

دلیل ذبح این ارشاد خداوندی است:

﴿ قل إن صلاتي و نسكي و محياي و مماتي لله رب العـالمين لا شريک له و بذلک أمرت و أنا أول المسلمين﴾ الانعام ۱۶۲

«بگو نماز و نیایش من و زندگانی و مرگ من، برای خـدا است که پروردگار جهانیان است».

در حدیث آمده است:(لعن الله من ذبح لغير الله).

«خداوند لعنت کند کسی را که برای غیرخدا ذبح کند».

دلیل نذر این فرموده خداوند متعال است:

﴿ يوفون بالنذر ويخافون يوما كان شره مستطيرا﴾سورة الدهر ۷

«(آن بندگان نیکو) به نذر و عهد خود وفا میکنند و از قـهر خدا در روزی کـه شـر سـختیش همـه اهـل محشـر را فـرا گیـرد میترسند».

اصل دوم: شناخت دین اسلام با دلایل

دین اسلام یعنی تسلیم شدن برای خدا که او را به یکتـایی بپرستی، و از اوامرش پیروی کنی، و از شرک بـیزاری جویـی. و آن سه درجه دارد:

اسلام، ایمان و احسان که هر درجـه ای از خـودش ارکـانی دارد.

درجه اول: اسلام است که پنج رکن دارد:

۱- گواهی دادن به اینکه جز خدای یگانه هیچ معبود برحقی نیست، و اینکه محمد ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ رسول خدا است. ۲- برپاداشتن نماز. ۳-دادن زکات. ۴- و روزه ماه مبارک رمضان. ۵- وحج بیت الله الحرام.

دلیل رکن اول این فرموده خدوند متعال است:

﴿ شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائکة و أولوا العلم قائما بالقسط لا إله إلا هو العزیز الحکیم﴾ آل عمران ۱۸

«خداوند که در دادگری استوار است و فرشتگان و عالمان (راستین) گواهی می دهند که معبود برحقی جز او نیست. آری جز او که پیروزمند فرزانه است معبود بر حقی نیست».

کلمهٔ (لا إله) همهٔ آنچه را که جز خدا پرستیده میشود نفی می کند و (إلا الله) هرگونه عبادتی را صرفا برای خدای یکتا و لاشریک ثابت می کند. خدایی که در پرستش او هیچ شریکی نیست، کما اینکه در ملک او هیچ شریک و همتایی نیست، آنچه این مطلب را واضح و آشکار بیان میکند این فرموده خداوند متعال است:

﴿ و إذ قال إبراهيم لأبيه و قومه إننی براء مما تعبدون إلا الذی فطرنی فإنه سیهدین وجعلها كلمة باقية فی عقبه لعلهم يرجعون﴾ زخرف۲۶-۲۷

«ای رسول ما ! به یاد آور وقتی را که ابراهیم به پدر خود و قومش گفت: ای بت پرستان، من از معبودان شما سخت بیزارم. جز آن خدایی را که مرا آفریده و البته مرا هدایت خواهد کرد نمیپرستم. واین خدا پرستی (و توحید) را در همه ذریت او تا قیامت کلمه باقی گردانید تاهمه فرزندانش (به خدای یکتا) رجوع کنند».

وهمچنین این ارشاد خداوند بزرگ:

﴿قل یاأهل الکتاب تعالوا إلی کلمة سواء بیننا و بینکم أن لا نعبد إلا الله ولانشرک به شیئا ولایتخذ بعضنا بعضاً أربابا من دون الله فإن تولّوا فقولوا اشهدوا بأنّا مسلمون﴾ آل عمران ۶۴

« بگو ای اهل کتاب بیایید تا برسر سخنی که بین ماوشما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچگونه شریکی نیاوریم و هیچ کسی از ما دیگری را بجای خداوند به خدایی برنگیرد، واگر رویگردان شدند بگویید شاهد باشید که ما فرمانبرداریم».

و دلیل گواهی دادن اینکه محمد -صلی الله علیه وآله وسلم- رسول خدا است این ارشاد خداوندی است:

﴿ لقد جاءکم رسول من أنفسکم عزیز علیه ماعنتم حریص علیکم بالمؤمنین روؤف رحیم﴾ توبه ۱۲۸

«به راستی که پیامبری از میان خودتان به سوی شما آمده است که هر رنجی که شما میبرید برای او گران می آید، سخت هواخواه شماست و به مؤمنان رؤوف و مهربان است».

معنای گواهی دادن به اینکه محمد رسول خداست این است که در هر آنچه ما را امر فرموده از ایشان اطاعت کنیم، و به هر آنچه خبرداده یقین و باور داشته باشیم، و از هر آنچه ما را باز داشته باز ایستیم، و اینکه پرستش خدا جز به روشی که ایشان بیان فرموده اند انجام نگیرد.

و دلیل نماز و زکات و تفسیر درست توحید در این آیه کریمه متبلور است:

﴿و ما أمروا إلا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلاة و یؤتوا الزکاة و ذلک دین القیمة ﴾ بینه ۵

«جز این فرمان نیافته بودند که خداوند را بپرستند و پاک دینانه، دین خود را برای او خالص دارند و نماز را برپادارند، وزکات را بپردازند، و این دین استوار است».

دلیل روزه این آیهٔ کریمه است:

﴿ یاأیها الذین أمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون ﴾ بقرة ۱۸۳

« ای مؤمنان! برشما روزه فرض گردیده همچنانکه برکسانی که پیش از شما بودند فرض شده بود، تا که تقوا پیشه کنید».

ودلیل حج این ارشاد الهی است:

﴿ و لله علی الناس حج البیت من استطاع إلیه سبیلا ومن کفر فإن الله غنی عن العالمین ﴾ آل عمران ۹۷

«وخدای را برمردم حج خانهٔ کعبه فرض است البته بر هرکسیکه توانایی رسیدن به آنجا را داشته باشد و هرکس که کفر (و انکار) ورزد (بداند که) خداوند از جهانیان بی نیاز است».

درجهٔ دوم:

ایمان است که هفتاد و چند شاخه دارد که بلنـــد تریـن آن گفتن **لاإله إلا الله** و پایین ترین آن دورکردن اسباب اذیـــت از راه است، و حیاء شاخه ای از ایمان است.

ارکان آن شش تا است: اینکه بـه خـدا و فرشـتگان و کتابهای آسمانی و پیامبران الهی و همچنین به روز قیامت و تقدیـر اعم از خوب و بد آن ایمان داشته باشی.

دلیل ارکان ششگانه مذکور این ارشاد خداوندی است:

﴿ ليس البر أن تولّوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب، ولكن البر من آمن بالله واليوم الآخر و الملائكة و الكتاب و النبيّين﴾ بقره ۱۷۷

«نیکی آن نیست که رویتان را به ســوی مشــرق و مغـرب آورید بلکه نیکی آن است که بنـــده بـه خداونـد و روز بـازپســین و فرشتگان وکتب آسمانی و پیامبران ایمان داشته باشد».

ودلیل تقدیر این ارشادخداوندی است:

﴿ إنا كل شيء خلقناه بقدر﴾ قمر۴۹

«ما هرچیزی را به اندازه آفریدیم».

درجهٔ سوم:

احسان است که فقط یک رکن اســت، و آن اینکـه خدا را طوری بپرســتی کـه گویـا او را میبینــی، چـون اگر تـو او را نمیبینی یقیناً او ترا میبیند، بدلیل این فرموده خداوند که:

﴿ إن الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون﴾ نحل ۱۲۸

«به درستیکه خداوند با پرهیزگاران ونیکو کاران است».

و این ارشاد الهی:

﴿ وتوكل على العزيز الرحيم الذی يـــراک حـــين تقــوم وتقلبک فی الساجدين إنه هو السميع العليم ﴾ شعراء ۲۱۸

« و بر(خداوند) پیروزمند مهربان توکل کن همان کـه تـو را به هنگامی که(برای عبادت) برمیخیزی میبینـد و نـیز تحولـت را در(نماز از حالتی به حالت دیگر) میان نماز گذاران، چرا که او شنوای دانا است».

و همچنین این فرموده خداوند بزرگ:

﴿ وما تكون فی شأن و ماتتلومنه من قرآن ولاتعملون مـــن عمل إلا كنا عليكم شهوداً إذ تفيضون فيه....﴾ یونس ۶۱

«ای رسول ما (بدان که تو) در هیچ حال نباشی و هیچ آیه ای از قرآن تلاوت نکنی و به هیچ عملی تو و امتت وارد نشوید مگر آنکه ماهمان لحظه شما را مشاهده میکنیم».

ودلیل از سنت حدیث مشهور جبریل است که ازعمر بن الخطاب رضی الله عنه نقل شده که فرمودند:

(بینما نحن جلوس عند النبي صلى الله عليه وآله سلم إذ طلع علينا رجلٌ بياض الثياب شديد سواد الشعر، لا يُرى عليه أثر السفر و لايعرفه منا أحد، فجلس إلى النبي صلى الله عليه وآله وسلم فأسند ركبتيه إلى ركبتيه، و وضع كفيه على فخذيه وقال: يا محمد، أخبرني عن الإسلام، فقال: أن تشهد أن لاإله إلا الله و أن محمداً رسول الله، و تقيم الصلاة و تؤتي الزكاة و تصوم رمضان و تحج البيت إن استطعت إليه سبيلاً، قال: صدقت، فعجبنا له يسأله و يصدّقه، قال: أخبرني عن الإيمان، قال: أن تؤمن بالله و ملائكته و كتبه و رسله و اليوم الآخر و بالقدر خيره و شره، قال: أخبرني عن الإحسان، قال: أن تعبد الله كأنك تراه، فإن لم تكن تراه فإنه يراك، قال: أخبرني عن الساعة، قال: ما المسؤول عنها بأعلم من السائل، قال: أخبرني عن أماراتها، قال: أن تلد الأمَة ربّتها، وأن ترى

الحفاة العراة العالة رِعاءَ الشّاءِ يتطاولون فى البنيان، قال: فمضى فلبثنا مليّاً فقال: يا عمر أتدرون من السائل؟ قلنا: الله و رسوله أعلم، قال: هذا جبريل أتاكم يُعلمكم أمر دينكم).

«در حالی که ما خدمت پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ نشسته بودیم ناگهان مردی برما ظاهر شد که لباسهایش به شدت سفید و موهایش شدیداً سیاه بود، هیچ نشانه ای از آثار سفر بر او دیده نمیشد و کسی از ما هم او را نمیشناخت، جلو پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ همچنانکه پیامبر نشسته بودند دو زانو نشست و زانوهایش را به زانوهای پیامبر ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ چسپاند ودستهایش را بر رانهایش گذاشت و گفت: ای محمد از اسلام مرا خبرده؟ فرمودند: اینکه گواهی دهی که هیچ معبود بر حقی جز خدای یگانه وجود ندارد و اینکه محمد فرستاده خداست، و نماز را برپاداری و زکات بپردازی و ماه رمضان را روزه بگیری و اگر توانایی داشتی حج خانهٔ خدا کنی. گفت: راست گفتی، تعجب کردیم که چگونه هم از ایشان میپرسد وهم تصدیق میکند، گفت: از ایمان مرا خبر ده؟ فرمودند: اینکه به خدا و فرشتگان و کتابها و رسولانش و به روز قیامت و به تقدیرأعم از خیر و شر آن ایمان و باور داشته باشی، گفت: از احسان مرا خبرده فرمودند: اینکه خدا را طوری

بپرستی که گویا او را میبینی چون اگر تو او را نمیبینی او قطعا ترا میبیند، گفت: از قیامت مرا خبر ده فرمودند: در این باره سؤال شونده از سؤال کننده بیشتر نمیداند، گفت: از نشانه های آن مرا خبرده، فرمودند: اینکه کنیز ارباب خودش را بزاید، و اینکه ببینی چوپانان تنگدست با پای لخت و عریان در ساختمانها بریکدیگر فخر میورزند، راوی میگوید: آنگاه راهش را کشید و رفت، ما اندکی درنگ کردیم آنگاه حضرت فرمودند: ای عمر، آیا میدانید سؤال کننده کی بود؟ گفتیم خدا و رسولش داناترند. فرمودند: این جبریل بود که آمد تا امر دینتان را به شما بیاموزاند».

اصل سوم: شناخت پیامبرتان حضرت محمد- صلی الله علیه وآله سلم - است.

ایشان محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم هستند که هاشم از قریش و قریشی ها عرب و از نسل حضرت اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم خلیل ـ علیه و علی نبینا أفضل الصلاة و أتم التسلیم ـ هستند، ایشان شصت و سه سال عمر کردند، که چهل سال آن پیش از بعثت و بیست وسه سال دیگر بعد از بعثت بود، ایشان پیامبر و رسول بودند، با «إقرأ» نبوت و با «مدثر»

رسالت به ایشان ابلاغ شد، که در آن زمان در مکه تشریف داشتند، خداوند ایشان را فرستاد تا که مردم را ازشرک باز داشته و به سوی توحید و یکتا پرستی بخواند، بدلیل این ارشاد خداوندی که:

﴿یا أیهاالمدثرقم فأنذر وربک فکبر وثیابک فطهر والرجز فاهجر ولاتمنن تستکثر ولربک فاصبر﴾ اول سورهٔ مدثر

«ای جامه برخود پچیده ! برخیز و هشدار ده و پروردگارت را تکبیر گوی و دامنت را.پاکیزه بدار و از آلایش (شرک) بپرهیز و بخششی مکن که پاداش بزرگتر بخواهی و در راه پروردگارت شکیبایی کن».

معنای « قم فأنذر » یعنی از شرک بترسان و به سوی توحید فراخوان. و «ربک فکبّر» یعنی با توحید و یکتا پرستی او را تعظیم کن و بزرگ بدار و «ثیابک فطهر» یعنی اعمال خویش را از شرک پاک گردان، «والرجز فاهجر» رجز یعنی بتها، وترک بتها یعنی بیزاری از بتها و بت پرستان، ده سال تمام به همین منوال مردم را بسوی توحید میخواندند، پس از ده سال ایشان به معراج یعنی آسمان فراخوانده شدند و نماز های پنج گانه فرض گردید، سه سال در مکه نماز خواندند، و سپس مأمور گردیدند که به مدینه هجرت کنند هجرت از سرزمین شرک به سرزمین اسلام منتقل

شدن است، هجرت براین امت فرض است که از سرزمین شرک به سرزمین اسلام کوچ کنند و این فریضه تا قیامت ادامه دارد.

به دلیل این فرموده خداوند:

﴿ إن الذین توفاهم الملائکة ظالمی أنفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی الأرض قالوا ألم تکن أرض الله واسعة فتهاجروا فیها فأولئک مأواهم جهنم و ساءت مصیراً إلا المستضعفین من الرجال و النساء والولدان الذین لا یستطیعون حیلة ولا یهتدون سبیلا فأولئک عسی أن یعفو عنهم و کان الله عفوا غفورا ﴾ نساء ۹۷-۹۸

«کسانی که فرشتگان جانشان را میگیرند، در حالیکه آنان برخود ستم روا داشته اند، به ایشان گویند در چه حال بودید؟ گویند: ما در سرزمین خود مستضعف بودیم گویند: آیا سرزمین خداوند فراخ نبود که بتوانید در آن (به هرکجا که خواهید) هجرت کنید؟ سرا و سرانجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفیکه نمیتوانند چاره ای بیندیشند و راه به جایی نمیبرند، اینان را باشد که خداوند ببخشاید، و خداوند بخشاینده آمرزگار است».

وبه دلیل این ارشاد خداوندی:

﴿یاعبادی الذین آمنوا إن أرضی واسعة فإیای فاعبدون﴾ عنکبوت ۶۵

«ای بندگان من که ایمان آورده اید! بدانید کــه زمیــن مــن گسترده است پس فقط مرا بپرستید».

امام بغوی رحمة الله علیه میفرمــاید: سـبب نـزول ایـن آیـه مسلمانانی هستند که در مکه بودنـد وهنـوز هجـرت نکـرده بودنـد خداوند آنانرا اهل ایمان خطاب فرمود.

و دلیل برهجرت از سنت نبوی این فرمــوده پیـامبر اکـرم - صلی الله علیه وآله وسلم ـ است که:

﴿ لا تنقطع الهجرة حتى تنقطع التوبة و لا تنقطع التوبة حتى تطلع الشمس من مغربها﴾

«هجرت قطع نمیشود تازمانیکه توبه قطع شود وتوبـه قطـع نمیشود تااینکه خورشید از مغرب طلوع کند».

هنگامی که پیامبر – صلی الله علیه وآله وسلم – در مدینــه مستقر گردیدند به بقیهٔ احکام اسلام نیز مأموریت یافتند، مثل زکات و روزه و حج و اذان و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و احکام دیگر، ده سال در این راستا جانفشانی کردند تا اینکه وفات نمودنـد –صلوات الله و سلامه علیه– اما دین ایشان قائم و دائم خواهد بود.

خلاصه اش این است که هیچ خیری نبوده مگر اینکه امت را بـدان راهنمایی فرموده و هیچ شرّ نبوده مگر اینکه امــت را از آن برحـذر

داشته است، بزرگترین خیری که مردم را بدان راهنمایی فرموده اول توحید است و بعد هر آنچه که خداوند آن را دوست دارد و میپسندد، وبدترین شری که امت را از آن برحذر داشته اول شرک است و بعد هرآنچه که خداوند آنرا ناپسند میدارد،خداوند ایشان را به سوی همه انسانها و جنات فرستاده و اطاعت ایشان را بر همگان فرض گردانیده است.

دلیلش این ارشاد خداوندی است:

﴿ قل یاأیها الناس إنیّ رسول الله إلیکم جمیعا ﴾ اعرا ف ۱۵۷

« بگو ای مردم بدرستیکه من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم».

و خداوند دین رابوسیلهٔ ایشان تکمیل فرموده چنانکه میفرماید:

﴿ الیوم أکملت لکم دینکم و أتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا ﴾ مائده ۳

« امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم و نعمتم را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم».

دلیل وفات حضرتش این ارشاد خداوند است:

﴿ إنک میت و إنهم میتون ثم إنکم یوم القیامة عند ربکم تختصمون﴾ زمر۳۰

« (ای رسول عزیزما) شخص تو و همهٔ خلق البته به مرگ از دنیا خواهید رفت آنگاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار خویش داد خواهی میکنند».

معاد: بطور قطع انسانها پس از مردن برانگیخته خواهند شد، به دلیل اینکه خداوند متعال میفرماید:

﴿ منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة أخری﴾ طه ۵۵

« از آن (خاک) شمارا آفریده ایم و به آن بازتان میگردانیم و باردیگر از آن بیرونتان میآوریم».

و نیز میفرماید:

﴿ والله أنبتکم من الأرض نباتا ثم یعیدکم فیها و نخرجکم إخراجا ﴾ سوره نوح۱۷-۱۸

«و خداوند شما را مانند گیاهی از زمین رویاند سپس شما را به آن باز میگرداند».

و آنگاه پس از برانگیخته شدن و مطابق آنچه عمل کرده اند پاداش داده خواهند شد، لذا خداوند متعال میفرماید:

﴿و لله مافی السماوات وما فی الأرض لیجزی الذین أسلؤوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی﴾ نجم۳۱

«و آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداوند است، تاسرانجام بدکرداران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را به پاداش نیکو (بهشت) جزا دهد».

کسی که منکر برانگیخته شدن بعد از مرگ باشد کافر است، به دلیل اینکه خداوند متعال میفرماید:

﴿ زعم الذین کفروا أن لن یبعثوا قل بلی و ربی لتبعثن ثم لتنبؤنّ بما عملتم و ذلک علی الله یسیر﴾ تغابن ۷

«کافران پنداشته اند که هرگز برانگیخته نمیشوند، بگو آری سوگند به پروردگارم که برانگیخته خواهید شد، سپس از (حقیقت) آنچه کرده اید آگاهتان کنند و این برخداوند آسان است».

خداوند متعال همهٔ پیامبران را مبعوث فرموده است تا آنکه مژده دهنده و بیم دهنده باشند، به دلیل اینکه میفرماید:

﴿رسلا مبشرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرسل﴾ نساء ۱۶۴

«پیامبرانی (فرستادیم) که مژده دهنده وبیم دهنده اند، تا آنکه برای مردم (پس از آمدن پیامبر) هیچ عذر و بهانه ای نماند».

اولین پیامبر حضرت نوح و آخرین آنان حضرت محمد ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ است که ایشان خاتم پیامبران هستند.

دلیل اینکه حضرت نوح علیه السلام اولین پیامبر است این ارشاد خداوندی است:

﴿ إناأوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبیین من بعده﴾ نساء ۱۶۳

«ما به تو وحی فرستادیم همچنانکه به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم».

از نوح علیه السلام تا محمد ـ صلی الله علیه وآله وسلم ـ هر پیامبری که بسوی هر قوم و أمتی فرستاده شده آنان را به پرستش خدای یکتا فراخوانده و از پرستش طاغوت باز داشته است به دلیل اینکه خداوند میفرماید:

﴿ ولقد بعثنافی کل أمة رسولا أن اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت﴾ نحل ۳۶

« و به راستی که در میان هر امت پیامبری برانگیختیم (تابگویند) که خداوند را بپرستید و از طاغوت پرهیز کنید».

خداوند برهمه بندگان ایمان به خدا وکفربه طاغوت را واجب گردانیده است.

ابن قیم ـ رحمة الله علیه ـ میفرماید: **(معنی الطاغوت ما تجاوز به العبد حدّه من معبود او متبوع او مطاع)**

«معنای طاغوت این است که بنده در پرستش معبود یا اتباع متبوع یا از اطاعت، اطاعت شونده از حد مجاز بگذرد».

طاغوتها زیادند که در رأس همه پنج تا قرار دارد:

۱- ابلیس ملعون. ۲- کسی که پرستیده شود و او از این عمل راضی باشد. ۳- کسی که مردم را به پرستش خودش ترغیب کند. ۴- کسی که دانستن جزئی از علم غیب را مدعی باشد. ۵- و کسی که خلاف حکم خداوند حکم کند (حکم به غیرما انزل الله) لذا خداوند متعال میفرماید:

﴿ لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغي فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها و الله سمیع علیم﴾ البقره ۲۵۶

«درکار دین اکراه (اجبار) روا نیست چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به

خداوند ایمان آورد به راستی که به دستاویز استواری دست زده است که گسستی ندارد و خداوند شنوای داناست».

و معنای **لاإله إلا الله** همین است، در حدیث است که:

(رأس الأمر الإسلام و عموده الصلاة و ذروة سنامه الجهاد في سبيل الله).

«در رأس همهٔ امور اسلام قرار دارد، ستون آن نماز و قلهٔ افتخارات آن جهاد فی سبیل الله است».

و خداوند داناتر است.

پایان


طبعت بمطابع دار طيبة - الرياض السويدي
شارع عبدالملك بن هشام - ت : ٤٢٨٣٨١٠

الأصول الثلاثة

ترجمه إلى

اللغة الفارسية

عبدالله حيدری

رمضان المبارک ١٤٢٤ هـ